



**/u//pu/ ?**



MDP.17:043,6

**?-/pu-u/ = ?-/pū/**


**/e//šell/a/ ?**



MDP.17:043,7

**?-/a-še-e/ = ?-/ašē/**

**/a//ta//a/ ?**



MDP.17:043,8

**?-/a-ta-a/ = ?-/atā/**

• تصویر ۱۹: نمونه‌ای از کاربرد ارزش‌های آوایی به‌مدست‌آمده از خط عیلامی خطی بر ششمین، هفتمین و هشتمین توالی‌های نام‌های خاص در لوح آغاز عیلامی MDP 17, 043: این نشانه‌ها را باید از راست به چپ خواند (نگاه کنید به تصویر ۱۸: تصویر از فرانسوا دوسه). به نوشتارهای واژه‌نگار در آغاز هر توالی دقت کنید (خصوصاً نشانه M 124) و همچنین استفاده مکرر از نشانه حرف صدادار (پنج نشانه صدادار داریم که تقریباً تمامی توالی‌های آغاز عیلامی با یکی از آنها تمام می‌شود). (۱۹۷۱) Meriggi, ص ۱۷۳ تا ۱۷۴) پیش‌تر به این پدیده اشاره کرده بود، ولی در آن زمان از ارزش آوایی (حرف صدادار) آنها آگاه نبود. این پدیده شاید مربوط به کشش حرف صدادار باشد (/tā=ta-a/, /šē=še-e/, /pū=pu-u/)

بوده‌اند. این مراحل تکامل را می‌توان به ترتیب به‌عنوان نگارش آغاز ایرانی قدیم (حدود ۳۳۰۰-۲۹۰۰/۳۰۰۰ پیش از میلاد) و نگارش آغاز ایرانی جدید (۲۳۰۰-۱۸۸۰ پیش از میلاد) نامید. در میان این دو مرحله، یک مرحله هنوز به اندازه کافی مستند نشده است (نگارش آغاز ایرانی میانی در ۲۹۰۰/۳۰۰۰ تا ۲۳۰۰ پیش از میلاد).

این پیوند خویشاوندی و متعاقب آن سنت مداوم نگارش در ایران میان سال‌های ۳۳۰۰ تا ۱۸۸۰ پیش از میلاد می‌تواند به ما این امکان را بدهد که به روشی وارونه از طریق خوانش نشانه‌های خط آغاز ایرانی جدید (عیلامی خطی) به رمزگشایی هم‌تایان گرافیکی‌اش که همان نشانه‌های خط آغاز ایرانی قدیم (آغاز عیلامی) هستند، دست یابیم (تصویر ۱۱، نکته ۴). این روش به‌عنوان مثال شبیه رمزگشایی خط میخی در قرن نوزدهم است که با استفاده از متون جدیدتر، متون قدیمی‌تر تحلیل و در نهایت رمزگشایی شدند (درحالی‌که خوانش الواح «آغاز میخی» در اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد هنوز با مشکل مواجه است).

فلات ایران در اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد، درکنار میان‌رودان و مصر، زادگاه نگارش در جهان است. از سال ۲۰۱۲ میلادی به این سو، استدلال‌های منطقی و زمانی‌ای را مطرح کرده‌ام که بر اساس آنها نگارش «آغاز عیلامی» را نباید به‌عنوان خطی فرعی که از خط

می‌کردند، باید در نظر گرفت. از این منظر، خط میخی میان‌رودانی (که بین اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد و حداقل سده اول پس از میلاد استفاده می‌شد) و هیروگلیف/هیرواتیکی مصری (که بین اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد و حداقل سده چهارم پس از میلاد مورد استفاده بود) بسیار موفق‌تر از همتای ایرانی خود بودند که استفاده از آن در سال‌های ۱۸۸۰ پیش از میلاد به پایان رسید.

توقف استفاده از خط عیلامی خطی را می‌توان با دو پدیده توضیح داد. اول اینکه در آغاز هزاره دوم پیش از میلاد، شهرنشینی در بخش شرقی خاور میانه قدیم به‌صورت بی‌سابقه‌ای سقوط کرد (پایان شهرنشینی در تمدن جیحون/خراسان بزرگ، پایان تمدن ایندوس در دره سند و سقوط شهرنشینی در تمامی مناطق شرقی ایران). این پدیده می‌تواند به احتمال زیاد دلیل از بین رفتن سنت استفاده از خط عیلامی خطی در جنوب شرق ایران و کم‌وبیش به‌طور هم‌زمان از بین رفتن خط ایندوس در دره سند باشد. در همان زمان در جنوب غرب ایران، خط میخی میان‌رودانی در حال گسترش بود. در طی دوره کوتاه گذار در سال‌های ۲۱۰۰/۲۰۰۰ تا ۱۸۸۰ پیش از میلاد، هر دو این خطوط مورد استفاده بودند تا اینکه در نهایت استفاده از خط عیلامی خطی به‌طور کامل متوقف شد. اعتبار فرهنگی خط میخی میان‌رودان می‌تواند یکی از دلایل این پدیده باشد؛ اما همچنین می‌توان این‌طور در نظر گرفت که خط عیلامی خطی به نوعی قربانی کارایی خود بود. این خط به‌عنوان یک سیستم نگارشی آوایی بسیار دقیق، به‌ویژه برای ثبت ویژگی‌های واج‌شناختی خاص زبان عیلامی به وجود آمده بود (بر اساس دانش کنونی ما، هیچ متن زبان آکدی یا سومری که به خط عیلامی خطی نوشته شده باشد، وجود ندارد) و هرگز از زادگاه اصلی خود، فلات ایران، خارج نشد. با این حال، کلمات آکدی اندکی را می‌توان در متون نوشته‌شده به خط عیلامی خطی یافت؛ مانند واژه puzur به معنای «حفاظت» در نام حاکم شناخته‌شده پوزورسوشیناک، واژه tup به معنای «کتیبه» و واژه Peltikalim معروف به Bēlat-ekallim به معنای «بانوی قصر».

زمانی که کاتبان عیلامی در جنوب غربی ایران از خطی بومی که همان خط عیلامی خطی بود، به استفاده از خط میخی خارجی روی آوردند، آن را بر مبنای ویژگی‌های آوایی سخت‌گیرانه «سنت نوشتاری خود» منطبق کردند. همچنین در ابتدا آگاهانه (و نه به دلیل ضعف در نوشتن به خط میخی) از واژه‌نگارها، تعیین‌کننده‌ها و همچنین نشانه‌های هجانگاری (CVC) اجتناب می‌ورزیدند و تنها فهرست محدودی از نشانه‌هایی را که کم‌وبیش با شبکه آوایی مفهومی آنها مطابقت داشت، به کار می‌بردند. به عبارتی کاتبان عیلامی در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۱۹۰۰ پیش از میلاد خط میخی را به شیوه نگارش خط عیلامی خطی می‌نوشتند. گسترش خط میخی میان‌رودان در جنوب غربی ایران و هم‌زمانی آن با سقوط شهرنشینی در شرق ایران، دورانی را به پایان رساند که در آن خط‌های مستقل از خط میخی می‌توانستند در خاور نزدیک توسعه یافته و شکوفا شوند. پس از آن، خط میخی تا هزار سال بعد تبدیل به سیستم نگارش غالب شد؛ البته به استثنای سیستم هیروگلیف آتاتولی/لووی در اواسط هزاره دوم پیش از میلاد در آتاتولی و نوآوری‌های الفبایی در نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد در سرزمین‌های شامات. گسترش استفاده از خط میخی در جنوب غربی ایران، راه را برای ورود سیستم‌های نگارشی پدیدآمده در غرب که از آن زمان در فلات ایران استفاده می‌شد، باز کرد: خط میخی میان‌رودانی، الفبای یونانی، الفبای مشتق‌شده از الفبای آرامی (برای ثبت زبان‌های اشکانی، پهلوی و اوستایی)، الفبای مشتق از الفبای عربی و الفبای لاتین (پدیده فینگیلیش فعلی). در واقع از سال ۱۸۸۰ پیش از میلاد به این سو، دیگر هیچ سیستم نگارشی بومی در فلات ایران استفاده نشده است.

**۶- خاستگاه خط عیلامی خطی و ارتباط آن با الواح «آغاز عیلامی»**  
اگر خط سیر زمانی را از تاریخ ناپدید شدن خط عیلامی خطی، یعنی از اوایل هزاره دوم پیش از میلاد، به عقب ببریم و این بار به پیدایش آن بپردازیم، دو نظریه مطرح می‌شود. برخی بر این باورند که این سیستم نگارش در ۲۳۰۰ سال پیش از میلاد «ناگهان» پدید آمد و گروهی دیگر میان خط «عیلامی خطی» و الواح «آغاز عیلامی» مربوط به ۳۳۰۰ تا ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد پیوند خویشاوندی می‌بینند. من پیش‌تر فرضیه اول را می‌پذیرفتم، اما در سال‌های گذشته نظرم تغییر کرد؛ اکنون فکر می‌کنم احتمالاً «شبکه الفبایی-هجایی عیلامی خطی» در حدود سال ۲۳۰۰ پیش از میلاد ناگهان ظاهر نشده است و خط‌های «آغاز عیلامی» و عیلامی خطی احتمالاً دو سیستم نگارشی متفاوت نبوده‌اند، بلکه یک سیستم در دو مرحله زمانی متفاوت از تکامل

سیستم نگارش خطی B، سیستم «هجانگار» است که بر مبنای نمودار شبکه آوایی عمل می‌کند و شامل نشانه صدادار و هجایی (CV) است که بر اساس پنج واج واکه (/u/, /o/, /i/, /e/, /a/) و ۱۲ واج همخوان (/z/, /w/, /t/, /s/, /r-/, /q/, /p/, /n/, /m/, /k/, /j/, /d/) عمل می‌کند که جمعاً شامل ۶۵ نشانه (پنج صدادار و ۶۰ هجایی) می‌شود که تاکنون ۶۰ نشانه آن شناسایی شده است. از آنجایی که سیستم نگارش میسنی خطی B عمدتاً یک ابزار اداری بوده است، علاوه بر این نشانه‌های آوایی از یک سری نشانه‌های واژه‌نگار (حدود ۱۵۰ واژه‌نگار در حال حاضر تأیید شده) برای ثبت نمادهای عددی (برای شمارش نام‌های قابل شمارش و غیرقابل شمارش، سیستم‌های ثبت وزن، حجم و...) و همچنین خود اشیای شمارش شده (حیوانات، انسان، غلات، شراب، روغن و...) استفاده می‌کردند.

با توجه به اینکه هیچ‌یک از ۴۰ متن نوشته‌شده به خط عیلامی خطی که در حال حاضر شناخته شده‌اند، به حسابداری نمی‌پردازند، می‌توان این‌طور فرض کرد که کاتبان در آن زمان برای ثبت اعداد و اشیای شمارش شده به استفاده از واژه‌نگارهای موجود در سیستم «آغاز عیلامی» که در اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد استفاده می‌شده، ادامه می‌دادند. بنابراین شاید چهار سیستم عددی اصلی و نشانه‌های مربوط به انسان‌ها، حیوانات، محصولات حیوانی، غلات یا مساحت زمین در سیستم «آغاز عیلامی» همچنان در خط عیلامی خطی نیز استفاده می‌شدند.

**۴- نمود عینی رمزگشایی: متنی از پوزور-سوشیناک از شوش در سده ۲۲ پیش از میلاد**

به‌عنوان نمونه‌ای از رمزگشایی یک متن نوشته‌شده به خط عیلامی خطی، در اینجا متنی از فرمانروای شوش، پوزورسوشیناک (سده ۲۲ پیش از میلاد) که روی سه لوح سنگی ثبت شده است، می‌آید (متون عیلامی خطی H و F, G: تصویر ۱۷). نسخه کامل کل مجموعه متون «عیلامی خطی» را به‌زودی منتشر خواهیم کرد.

**متون ترکیبی H//G//F:**

1. pu-zu-r-su-ši-na-k ze-m-t a(-w)-wa-ni-r | (ku-ši-k | ši-n-pi-s-hu-ki-r |)
  2. i-n-su-š-na-k i-r ha-ne-š | hu₂-pu₂-š-šā-n la-w-li₃-ri li-m-ma-š (|) pa-t-ra i-r ra-p₂-pa-š
  3. 'i-r' pe-t-ra-š a-k-ka-'ra pe¹-t-n-ra | a-hu-n(-) ha²-s-ki | lu²-r(-) -m²-ki i² ha-hu-t-ta-k-ne
- (1)Puzur-Sushinak zemt Awan-ir  
(kushi-k Shim-pishūk-ir)  
(2)Insush(i)nak ir hane-sh Hūp(o)shan lawlire  
lima-sh pat-r-a i-r rapa-sh  
(3)'i-r' petra-sh aka-r-a pet(i)-n-r-a ... i² hata-k-ne  
(یا hūta-k-ne).

- (۱) پوزورسوشیناک، پادشاه آوان (کسی که توسط شین‌پیشهوک متولد شد)  
(۲) اینسوشیناک او را دوست دارد. [بنابراین] او [اینسوشیناک | شهر/منطقه] جوپشان... را سوزانده، تحت امر او [پوزورسوشیناک] به بردگی گرفته [و]  
(۳) به او [پوزورسوشیناک] تقدیم کرد. هرکس قیام کند... باشد که ناپود شود (یا تحقق یابد).

**۵- فرجام خط عیلامی خطی**

از آنجایی که امروزه نیز سادگی و راحتی یادگیری برای عموم در استفاده از وسایل و ابزارها اهمیت ویژه‌ای دارد، تا مدت‌ها بر این باور بود که خط عیلامی خطی ایرانی، با توجه به تعداد نشانه‌های محدود (از لحاظ نظری ۷۷ ارزش آوایی) و همچنین منطق آوایی و دقت بالای آن، کارآمدتر و در نتیجه «پیشرفته‌تر» از سیستم‌های نگارش معاصر است؛ چراکه هیروگلیف/هیرواتیکی مصری و خط میخی میان‌رودانی، با صداهای نشانه سروکار داشتند. کاتبان مصری و میان‌رودانی در واقع تمام ابزارهای لازم را (به‌ویژه با وجود سیستم الفبایی همخوان در خط مصری) برای نوشتن به شیوه آوایی در اختیار داشتند، ولی هرگز یا نخواهند یا به استفاده از آن فکر نمی‌کردند. با این حال، سیستم‌های نگارشی را نه بر اساس ارزش‌های ما، بلکه بر اساس توانایی‌شان در خدمت به نیازهای افرادی که از آنها استفاده